

محمد عقیلی، تصویربردار و فیلم ساز
از آثار، دغدغه ها و پدر شهیدش می گوید

اگر روایت نکنیم قصه ها می میرند

۵۴



عکس: محمد حسن صلواتی/شهرآرا

روضه های خانواده حاج حسن جدیت از ۳۰ سال پیش
شروع شده و ۶ سال است که در فضای باز برگزار می شود

تکیه ای به وسعت یک کوچه

۶



۳ پروژه فرهنگی منطقه ۱۰ هم زمان با برگزاری
کنگره ۱۸ هزار شهید خراسان رضوی به بهره برداری می رسد
یادمان های دفاع مقدس در «معراج شهدا»

۷ دانشجویان دانشگاه شهید منتظری، موبکی با
محور مقاومت و ماه محرم برپا کرده اند
درهم شکستن گنبد پشمتکی

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

۹

شما چه خبر

● چطور قوی‌تر شویم؟

مدرسه تعالی به منظور کمک به شهروندان و کارآفرینان، جلسات رایگان مشاوره و کتاب‌خوانی برگزار می‌کند. این موسسه محله هاشمیه، باتوق‌های کتاب‌خوانی خود را به سمت کتاب‌های رشد، توسعه فردی و تاب‌آوری برده و در این راستا استادانی را دعوت می‌کند. همچنین هر روز به شهروندانی که به خاطر شرایط پیش آمده جنگی استرس دارند و نیز به کارآفرینانی که با مشکلات تولید مواجه شده‌اند، مشاوره رایگان می‌دهد. رویکرد مدرسه تعالی در تمام اقدامات، این است که چطور از دل مسائل و مشکلات قوی‌تر بیرون بیاایم و رشد کنیم.



● خدمت متفاوت بانوان محله هاشمیه

خواهران پایگاه بسیج جوادالائمه (ع) محله هاشمیه طی اقدامی خودجوش وقتی دیدند برادران گشت‌های عملیاتی برای امنیت محل در حال آماده‌باش و گشت‌زنی هستند، تصمیم گرفتند شام آن‌ها را تهیه کنند. در این راستا تعدادی از بانوان پایگاه دور هم جمع شدند و در منزل یکی از همسایه‌ها برای ۵۲ نفر از نیروهای گشت‌های عملیاتی شام تهیه کردند. قرار است تازمانی که این گشت‌ها ادامه دارد، بانوان پایگاه‌های مختلف به صورت نوبتی در تهیه شام مشارکت داشته باشند. علاوه بر این آن‌ها با نیت حفظ امنیت و پیروزی کشورمان در برابر دشمنان و بدخواهان، جلسات ختم دعای توسل، تلاوت سوره فتح و... برگزار می‌کنند.

● آماده‌باش هم‌محله‌ای‌ها

باتوجه به شرایط اخیر کشور، فعالان فرهنگی و اجتماعی محله نیروهای جلسه‌ای برگزار کردند تا ببینند چطور می‌توانند به مردم محله‌شان کمک کنند. آن‌ها افراد خوانی به اهالی دادند و تاکنون حدود صد نفر اعلام آمادگی کرده‌اند. در بین این‌ها افرادی از مشاغل و حرفه‌های مختلف از جمله جوشکار، خیاط، پرستار، آشپز و جوددار که حاضرند در صورت وقوع بحران، باتوجه به حرفه خود پای کار بایند. عده‌ای دیگر نیز گفته‌اند با دادر اختیار گذاشتن خودرو یا منزلشان به هم‌محله‌ای‌هایشان کمک می‌کنند.

● اهالی چهارچشمه تماشاگر «خدای جنگ»

فهمیه شهری نمازگزاران مسجد محمد رسول (ص) در محله چهارچشمه به تماشای فیلم «خدای جنگ» نشستند. در این مسجد به مناسبت‌های مختلف فیلم پخش می‌کنند. این بار هم باتوجه به حوادث اخیر کشور، فیلم «خدای جنگ» را که به پیشرفت توان موشکی کشور از زمان جنگ تحمیلی تاکنون اشاره دارد، اکران کردند که مورد توجه اهالی قرار گرفت و حدود صد نفر از افراد در سنین مختلف به تماشای فیلم نشستند. واحد سمعی و بصری این مسجد کلیپ‌های کوتاهی هم تولید می‌کند که بعضی روزها بین اقامه دو نماز پخش می‌شود.



هوای خانواده پاکبان‌رادریم

بعد از انتشار گفت‌وگو با خانواده پاکبان منطقه ۹، مرحوم محمود اقبالی که ۴ تیر امسال در شهرآرام محله منتشر شد، شهرداری منطقه ۹ با بیان اینکه تاکنون همکاری‌های لازم را در همه زمینه‌ها با خانواده مرحوم انجام داده است، از نامه‌نگاری با ارگان‌های ذی‌ربط برای احقاق حقوق قانونی این خانواده خبر داد.

تپه‌های نیاوران سبز شد

پروژه احداث فضای سبز حاشیه بولوار نماز و درخت‌کاری تپه نیاوران به مساحت ۲۰ هزار مترمربع و بودجه‌ای در حدود ۱۵ میلیارد ریال انجام شد. در این پروژه که با هدف افزایش سرانه فضای سبز شهری، کاهش آلودگی هوا و ایجاد محیطی برای گذران اوقات فراغت شهروندان اجرا شده است، بیش از ۲ هزار و ۴۰۰ اصله درخت شامل نارون، ااقیا، زیتون، تلخ، طاووس، ارغوان، ابریشم و... کاشته شده است.

چگونه با بیماری سالک مبارزه کنیم؟

نمایشگاه مهارت‌ورزش‌آموزی از بیماری سالک نبش خیابان صابریک برگزار شد. هدف اصلی برگزاری نمایشگاه این است که شهروندان بتوانند خود را در مقابل پشه‌های حامل این بیماری محافظت کنند. در این نمایشگاه سه روزه، غرفه‌های متنوعی مانند آموزش شهروندی، نصب صحیح توری در منزل، خطرات فاضلاب و آلودگی‌های زیست‌محیطی، مبارزه با بیماری، نمایش فیلم، غرفه مخصوص کودکان به همراه غرفه آموزش ویژه مراقبت از آن‌ها و آشنایی با حشرات و جوندگان برپا شد.

فهمیه شهری اکلایس‌های امداد و نجات و مدیریت بحران دوام ثامن منطقه ۹ این روزها با استقبال مردم و پرشورتر از همیشه در حال برگزاری است.

ناهد نوزاده، مسئول دوام ثامن منطقه ۹، با اعلام این خبر می‌گوید: استقبال شهروندان محله‌های مختلف برای حضور در کلاس‌ها آن قدر زیاد است که گاهی کلاس‌ها به جای سی نفر با حضور بیش از پنجاه متقاضی برگزار می‌شود و در جاهای مختلف منطقه، روزانه سه شیفت کلاس داریم.

به گفته او شرایط اخیر کشور، مردم را بر آن داشته است که در این کلاس‌ها شرکت کنند تا در موقع لزوم بتوانند به خود، خانواده و اطرافیان‌شان کمک کنند.

او ادامه می‌دهد: علاوه بر آموزش‌های عمومی مردم، در هر محله، تعدادی سرگروه مشخص کرده‌ایم که در صورت بروز بحران و حادثه، می‌توانند با آموزش‌هایی که دیده‌اند، اقدامات اولیه امداد و نجات یا اموری مانند اسکان اضطراری (چادرزنی هلال احمر)، حمل مصدوم به صورت انفرادی و گروهی، پانسمان و بانداز و... را انجام دهند.

آن‌طور که نوزاده می‌گوید در حال حاضر آموزش‌های اولیه در همه مساجد منطقه ارائه شده است و همچنین درخواست برای دور بعدی آموزش‌ها وجود دارد. همچنین کارکنان ارگان‌هایی مانند آموزش و پرورش، بسیج و شهرداری نیز آموزش دیده‌اند. او تصریح می‌کند: تاکنون حدود هزار نفر از شهروندان منطقه ۹ نکات اولیه امداد و نجات را آموزش دیده‌اند و حدود پانصد نفر از آن‌ها آموزش‌های تکمیلی را نیز دریافت کرده‌اند.



حوادث اخیر کشور، شهروندان را به دریافت آموزش‌های امداد و نجات علاقه‌مند کرده است

هزار شهروند پای آموزش‌های دوام ثامن



اهالی رازی از حال و روز نامناسب بوستان محله شان گلایه دارند

«نغمه»

رسیدگی می خواهد



رضا ریاحی ابوستان نغمه این روزها پاتوق عصرگاهی بسیاری از اهالی محله رازی است؛ بوستانی که در خیابان شهید کردنو غانی ۲۵ واقع شده و بیش از یک هکتار وسعت دارد. در نشست خرداد ماه شهردار منطقه ۱۰ در سامانه ۱۳۷ چندین تماس از اهالی این محله درباره بوستان نغمه گرفته شد و خیلی ها به نحوه نگهداری این بوستان گلایه داشتند. روشنائی کم بوستان در شب ها، خشک شدن چمن، آبیاری نامنظم درختان، جداول شکسته از جمله موضوعاتی بود که در گفت و گوی مردم با شهردار منطقه ۱۰ مطرح شد.

دوست داریم پارکمان تمیز باشد

حضور مادر بوستان نغمه در یک عصر گرم تابستانی انجام می شود. یکی از خوبی های این پارک محلی این است که دوفضای بازی کودکان دارد و همین نشان می دهد که استقبال اهالی از این پارک زیاد است. دوروبر پارک آپارتمان های مرتفع و خانه های متعددی قرار دارد که این موضوع هم باعث بیشتر شدن رفت و آمد اهالی به این مکان می شود. یکی از خانم های محله در فضای بازی کودکان ایستاده و مشغول تاب دادن فرزندش است. او که خودش را شوکت جعفری معرفی می کند، از روزهای ابتدایی تعطیلی مدارس، هر روز در این پارک حضور دارد. او می گوید: اهالی این پارک را خیلی دوست دارند. خود مادر خانه را که باز می کنیم، وارد پارک می شویم و همین باعث شده است که اینجا را مانند خانه خودمان بدانیم و دوست داشته باشیم که تمیز باشد.

او ادامه می دهد: بخشی از چمن پارک از بین رفته و بخش دیگر آن هم اگر رسیدگی درست و حسابی نشود، از بین خواهد رفت. بالاخره همه زیبایی پارک به فضای سبزش است.

شب های تاریک بوستان نغمه

گردش مادر بوستان نغمه ادامه دارد. سه مرد سن و سال دار را می بینیم که مشغول ورزش هستند. از میان آن ها علی اصغر کاشانی با ما گفت و گو می کند. او می گوید: در کل نگهداری پارک خیلی خوب نیست. آبیاری درختان به موقع انجام نمی شود، بخشی از چمن پارک تخریب شده است و روشنائی پارک هم در شب ها چندان مساعد نیست. حالا نمی دانم چراغ های روشنائی سوخته یا عمداً خاموش شده است.

او ادامه می دهد: اینجا پاتوق اهالی است، به ویژه در روزهای گرم تابستان، خیلی از همسایه ها از سرب در پارک جمع می شوند و تا پاسی از شب در این فضای سبز می مانند؛ هم هوا خنک است و هم بچه ها بازی می کنند.

به گفته کاشانی، جداول پارک هم شکسته است، جدولی که در قسمتی از پارک اصلاح شده و قسمتی دیگر همچنان بدون مرمت باقی مانده است.

باید در مصرف برق صرفه جویی کنیم

گلایه اهالی محله رازی درباره بوستان نغمه را با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ در میان می گذاریم. او روز بعدش به همراه علی شهرکی، رئیس اداره فضای سبز منطقه ۱۰، از این بوستان دیدن می کند. سعید میرسعیدی پس از بازدید از این پارک محلی می گوید: بخشی از چمن پارک نغمه تخریب شده است که مادر آینده ای نزدیک، گونه های پوششی مقاوم به کم آبی را جایگزین آن ها می کنیم. این روایی است که در خیلی از بوستان های سطح منطقه ۱۰ پیش گرفته ایم و باتوجه به کم آبی وسیع در شهر، اجتناب ناپذیر است.

او درباره خاموشی بخشی از بوستان نغمه در ساعات تاریکی هوا بیان می کند: برق بوستان ها استاندارد بوده و شهرداری موظف است تا ۳۰ درصد نسبت به کاهش مصرف برق پارک ها صرفه جویی کند؛ با این حال اگر لامپ سوخته ای در بوستان باشد، برای تعویض فوری آن اقدام می کنیم.

به گفته معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰، جداول این بوستان وضعیت مناسبی ندارد. بخشی از جدول این بوستان سال گذشته مرمت شد و بهسازی سایر جداول پارک به سال جدید و تخصیص اعتبار موکول شده است.

پل های ایمن برای عابران پیاده

باتوجه به نیازسنجی های صورت گرفته و درخواست های شهروندان، رفع نقص پل های عابر پیاده منطقه ۱۰ در حال اجراست. این پروژه به طور هم زمان در پل های عابر پیاده بزرگراه های پیامبر اعظم (ص) و امام علی (ع)، و بولوارهای شاهد، شهید رفیعی و امامیه اجرا می شود. اصلاح کف و تعمیرات سقف راه پله، نرده، پله و آسانسور از جمله اقداماتی است که در بهسازی پل های عابر پیاده اجرا خواهد شد.

شهر خبر



آسفالت معابر منطقه مانووار شد

بیش از ۱۱۲ هزار مترمربع از معابر منطقه ۱۰ از ابتدای امسال آسفالت شده است. در این پروژه که به منظور تسهیل در عبور و مرور و افزایش ایمنی شهروندان اجرا شده، ۴۶ معبر گوناگون از قبیل خیابان های فرعی شهید فلاحی ۳۸، امامیه، فاطمیه، شهید بهدگانی، شهید حمامی، شهید نوری مرمت و روکش آسفالت شده است.

ایستگاه ورزش در بولوار شهید خادم الشریعه

پیاده راه ورزش و سلامت در بوستان خطی خادم الشریعه، به منظور ترویج و گسترش ورزش همگانی، خدمت رسانی مطلوب تر، ارتقای شادی و نشاط شهروندان، افزایش سرانه ورزش همگانی و ایجاد فضایی مفرح اجرا شد. این پروژه در فضایی به وسعت هزار مترطول با نصب و جانمایی سه مجموعه دستگاه بدن سازی به بهره برداری رسید و در اختیار شهروندان محله خاتم الانبیا (ص) قرار گرفت.

ریاحی معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد درباره افتتاح پروژه، معراج شهدا، گفت: براساس برنامه ریزی ها، این پروژه در مرداد امسال و هم زمان با برگزاری کنگره ۱۸ هزار شهید خراسان رضوی به بهره برداری خواهد رسید. جاوید کیانی با اشاره به پیشرفت شایان توجه این پروژه بیان کرد: در حال حاضر، پروژه معراج شهدا دارای ۸۵ درصد پیشرفت فیزیکی و ۷۴ درصد پیشرفت ریالی است. برای تکمیل این طرح، اعتباری بالغ بر ۳۵۲ میلیارد ریال اختصاص یافته است.

دربازسازی مجموعه فرهنگی معراج شهدا نمادهایی نظیر یادمان عروج، نماد شهادت، هشت دروازه بهشت (نماد هشت سال دفاع مقدس)، مجسمه سرونماد علم عزاداری امام حسین (ع)، ضریح و سایر نمادهای متناسب با فرهنگ ایثار و شهادت با به کارگیری عناصر مقدس ایجاد خواهد شد؛ همچنین در طبقه منفی یک این مجموعه، شهروندان می توانند از خدمات فرهنگی آموزشی استفاده کنند.

کیانی در توضیح بیشتر گفت: علاوه بر بنای معراج شهدا، پل عابر پیاده ابتدای خیابان امام هادی (ع) نیز باتوجه به هم جوار بودن معراج شهدا توسط المان پوسته شیشه ای با نماد سربند شهید فضا آرای می شود.

رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد با تأکید بر اهمیت فرهنگی و اجتماعی این مجموعه افزود: با افتتاح این پروژه، ظرفیت مناسبی برای پاسداشت یاد و خاطره شهدای استان فراهم خواهد شد و مجموعه معراج شهدا به عنوان یک مرکز فرهنگی مؤثر در خدمت خانواده شهدا و عموم شهروندان مشهد قرار می گیرد.



پروژه فرهنگی منطقه ۱۰ هم زمان با برگزاری کنگره ۱۸ هزار شهید خراسان رضوی به بهره برداری می رسد

یادمان های

دفاع مقدس

در «معراج شهدا»

محمد عقیلی، تصویربردار و فیلم‌ساز، از آثار، دغدغه‌ها و پدر شهیدش می‌گوید

اگر روایت نکنیم، قصه‌های می‌روند

● تبدیل النگو به دوربین

نقطه عطف بعدی برای عقیلی، پروژه‌ای بود با محمد مهدی مستندساز باتجربه: «سال ۱۳۹۱ بود. پروژه‌ای با موضوع ایرانی اسلامی که دو قسمت بیشتر ساخته نشد. در این پروژه آقای مهدی حجت پناه هم فیلم‌بردار بود و من واقعاً خیلی موقع‌ها تجهیزات زیادی نداشتم؛ برای همین سراغ پدرم رفتم. نمی‌توانم به یکی‌تان بیشتر از دیگری کمک کنم. گفت برو از مادرش بعد همان مقدار را به او برگردان. منم همین کار را کردم. یک دوربین خریدم و چهار پنج ماهه پولش را پس دادم. قسمت دوم مستند نیاز پیدا کرد و من دوربین دوشدم. آنجا بود که تازه اعتماد به من

سمیرا شاهیان یک جوان که می‌توانست با اصرار پدرش پزشک شود، راهی را انتخاب کرد که با قدم‌های کوچک، رفته رفته او را به میان خاک و آتش سوریه، لبنان و افغانستان کشاند. انتخاب مسیرش شاید غیرمعمول، ولی مسئولانه و پراز تجربه بود؛ همچون پدر شهیدش دکتر حمید عقیلی که در مسیر پزشکی‌اش در دوران کرونا جاننش را فدا کرد. برای محمد فرقی نمی‌کند از شست و شوی گنبد حرم مطهر امام رضا (ع) فیلم‌برداری کند یا سلول‌های سرد زندان بگرام در افغانستان را ثبت کند؛ همیشه پای تعهد به کارش است. محمد عقیلی، تصویربردار و فیلم‌ساز و روایتگر ساکن محله حجاب است که به عمق ماجراهای نگرده و لحظه‌هایی را ثبت می‌کند که اغلب از چشم‌ها پنهان می‌ماند. آثارش از «نماهنگ عاشق السلطان» تا «آنس» که مخاطب بین‌المللی دارد، برایش نوعی مسئولیت و روایت حقیقت است.

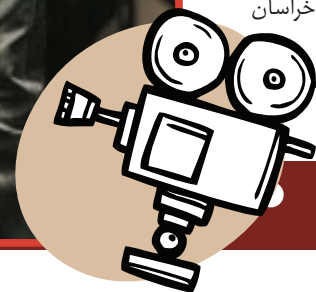
● «آنس» و سفر به زندان بگرام

عقیلی از پروژه‌ای سنگین که بیست روز در زمستان سخت افغان می‌گوید: زمستان ۱۴۰۲ با محسن اسلام زاده، مستندساز بحر مستندی ضد آمریکایی با موضوع تبادل اسیر میان آمریکا و طالبان رفتیم. یک روز در زندان بگرام، منطقه‌ای که پیش‌تر بزرگ‌ترین آمریکادر خاورمیانه بود، حضور داشتیم. زمانی که به آنجا رفتیم طالبان بود. اما رد پای شکنجه‌های آمریکایی‌ها هنوز در آنجا زنده‌اند. هاتر تعریف می‌کرد که یهود در سلول انفرادی را باز می‌کردند و به جانمان می‌انداختند و در راهی می‌بستند. ما به لطف موقعیت مصاحبه‌شوندگان، توانستیم با دوربین وارد آن فضا شویم؛ در آخرین روز حضورش، زندانی‌های داعش و القاعده را آزاد کرد. این تصویربردار با بیان اینکه حضور در بگرام تجربه‌ای بود او خواهد ماند، ادامه می‌دهد: قصه مستند، از بگرام فراتر رفت. تحت فشار قرار دادن طالبان، پسر پانزده‌ساله یکی از رهبران پنج سال در افغانستان زندانی کرد. طالبان هم در پاسخ، دو آمریکایی را ربود تا معامله صورت بگیرد. پس از شکست عملی آمریکایی‌ها مذاکره‌تن داد و تبادل انجام شد. ما از هر دو طرف «آنس» یکی از مقامات فعلی طالبان که اهل شعر و معتدل است دانشگاه آمریکایی سابق به نام «تیموتی ویکس»، که پس از آزاد برگشت و گفت می‌خواهم مسلمان شوم. این مستند در نیامده است و مخاطب بین‌المللی دارد.

عقیلی می‌گوید: مستند بحران باقیه مستند هافورز وقتی این واژه‌ها می‌شنوند، تصورشان جنگ و گلوله واقعی جایی است که نمی‌توان صحنه را تکرار کرد. همه چیز در جریان است و تصویربردار باید در لحظه کند. یاد می‌آید در بگرام، از صبح تا غروب با بی‌وقفه تصویر گرفتیم، حتی وقت غذا خوردن نداشتم. در این شرایط همیشه به همکارانم می‌گویم اگر روایت نکنیم، تبدیل به عدد می‌شویم.

● عکاس خیابانی

مسیر محمد از هنرستان ورشته گرافیک رایانه‌ای به دانشگاه و نرم افزار رسید. اما علاقه‌ای در کار نبود. در دوره کاردانی به پیشنهاد یکی از دوستانش در یک دوره رایگان مستندسازی ثبت نام می‌کند که چراغ راهش می‌شود؛ با چند عکس موبایلی توانستیم نظر استاد عکاسی، حمید سلطان آبادیان را جلب کنیم. در همان جلسات اول قرار شد دوربین کانون G12 به صورت اقساطی به هنرجویان مستعد تعلق بگیرد و با نظر استاد یکی از آن‌ها به من تعلق گرفت. از آن به بعد، پرسه‌زنی‌هایم در خیابان‌ها شروع شد. عکس می‌گرفتم و شب‌ها ویرایش می‌کردم. یکی از هم‌دوره‌ای‌هایم هم شهید مدافع حرم، محمد جاودانی بود. خیلی زود عکس‌هایش دیده می‌شود و در جشنواره ملی با موضوع بازارهای سنتی ایران، عنوان عکس اول را می‌گیرد و ۲ میلیون تومان جایزه نقدی که چند برابر قیمت دوربینش بود، ادامه می‌دهد. ترم سوم دانشگاه، تصمیم گرفتیم انصراف بدهیم و به سراغ سینما بروم، اما پدرم توصیه کرد این رشته را که بیشتر راهش را طی کرده بودم، تمام کنم. این شد که پس از کاردانی نرم افزار، کارشناسی رادر دانشگاه فرهنگ و هنر سینما خواندم و با همان دوربین جمع و جور G12، تا اندازه‌ای وارد میدان حرفه‌ای شدم و به پیشنهاد آقای محمد جواد میری برای یکی از ضمایم روزنامه خراسان عکس می‌گرفتم.



● پدرم در اوج رفت

محمد عقیلی، فرزند شهید مدافع سلامت است. تعریف می‌کند که پدرش بازنشسته بود. ولی در اوج کرونا، با ماشین شخصی‌اش تا چناران می‌رفت. خرداد ۹۹ در حالی که در بیمارستان بنت‌الهدی در مشهد و چناران شیفت داشت، دچار علائم خفیفی شد و در خانه ماند. روز دوم انگار خودش مطمئن شد این علائم، سرما خوردگی ساده نیست و خودش را قرنطینه کرد. همان روز به پسر دیگرش، محسن که او هم مستند ساز و تدوینگر است، گفته بود با دوربینت به اتاقم بیا و با فاصله بشین. در فیلم تلویحی وصیت کرده و گفته بود کتاب‌های امانتی را به کتابخانه تحویل بدهند. کلید فلان کلینیک را به فلان دکتر بپارند و... حتی سهم چهار پسرش از پول ماشین و رهن خانه را تقسیم کرده بود. محمد می‌گوید: بعدتر متوجه شدیم مبلغ زیادی هم در مظالم پرداخت کرده است. صبحش با پای خودش سوار آمبولانس شد. یک ماه بستری بود؛ ابتدا در اثر کرونا، کلیه و کبدش از کار افتاد و دست آخر عفونت بیمارستانی او خودش در همان فیلم گفته بود با هیچ کس هیچ حسابی ندارد. پدرم در طول عمرش، انقلاب اسلامی ایران و جنگ چریکی رادیده و هم رزم شهید کاوه در کردستان بود، خانواده و نوه داشت و همه خوشبختی‌هایی که یک فرد باید بگذرد را چشید. من از روز زمین‌گیری برای خودم می‌ترسم. برای همین می‌گویم پدرم با عزت رفت. وقتی شهید شد، از روی نام فامیلی و آشنایی که دیگران به مامی دادند، می‌فهمیدیم برای طبابت به حاشیه شهر هم رفت و آمد داشته است.

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرام‌خانه از
shahraranews.ir

برخی افتخارات و آثار محمد عقیلی

- تصویربردار سریال «جایی برای همه»، شبکه ۲، سال ۱۴۰۴
- عکس برگزیده جشنواره بین‌المللی «مزارات»، سال ۱۴۰۱
- دیپلم افتخار جشنواره کشوری عمار برای فیلم مستند «محیا»، سال ۱۳۹۷
- برگزیده جشنواره عکس مشهد، سال ۱۳۹۵
- رتبه دوم جشنواره عکس «شهر زیبا» مشهد، سال ۱۳۹۴
- رتبه اول جشنواره ملی عکاسی «بازارهای سنتی»، سال ۱۳۹۰
- تصویربردار مستند «کرار» درباره شهید رضا سنجرائی، سال ۱۳۹۶
- تصویربردار مستند «پرواز از حلب» درباره شهید حسین حریری، سال ۱۳۹۶
- تصویربردار مستند قصه‌های اربعین، سال ۱۳۹۵

مستند
اورژانس هوایی کشور
به سفارش سیما فیلم
سال ۱۴۰۳



ی خالقی،
سبک زندگی
روژه، مدیر تولید
ی از او یاد گرفتیم. آن
او همیشه می‌گفت
تو و التوفیق قرص بگیر،
من نیکون D7100 را
پروژه به دو دوربین
فلس پیدا کردم.»

● دشواری ساخت مستند پدرم

این فیلم ساز جوان بارها از اطرافیان و همکاران پدرم شنیده است که «شما برادرها چرا کاری برای پدرتان نمی‌کنید و روایت او را به تصویر نمی‌کشید؟» پاسخ محمد این است: شاید ساختن این مستند خیلی سخت باشد. پدرم پزشک عمومی بود، ولی نه از آن‌هایی که مردم تصور می‌کنند: نه خانه‌ای داشت، نه پس‌انداز، همیشه کتابی کنار تختش بود و دوربینی از سال‌های جبهه داشت. او در بدنش کلی ترکش داشت. پدرم یک روایت نیست، بلکه مرور یک زندگی است.

محمد عقیلی با بیان اینکه پدرم اشاعه‌دهنده کارهای مستند من و برادرم بود، توضیح می‌دهد: علاقه‌ام به دوربین، از همان «زینت» شروع شد که در کم‌پدرم بود. وقتی مستند «خادم بیت‌المهدی» را سال ۱۳۹۱ درباره یک فعال فرهنگی در حاشیه شهر ساختم، پدرم سراغ کتابخانه‌اش رفت و حدود هزار جلد را به همان بچه‌ها اهدا کرد. او منتشرکننده آثار ما بود. وقتی مهمان به خانه مان می‌آمد، می‌گفت آقای فلانی، این کار آخری است که محمد مان ساخته است. زمانی که ما او را از این کار بازمی‌داشتیم، می‌گفت این کارها اثر دارد.

بعد از شهادت پدرش، مدتی حال کار کردن نداشته و سه ماه کامل از کار فاصله گرفته است تا اینکه آقای مسعودی از شمس فیلم، پروژه‌ای درباره امام رضا (ع) به او پیشنهاد کرد؛ «نماهنگ عاشق السلطان بود. کار هم شرایط سختی داشت؛ باید در صحن‌های شلوغ حرم، تصویر حرکتی بدون فرق و ریل‌گذاری می‌گرفتیم. وقتی کار تمام شد و خروجی را دیدم، گفتم اگر هیچ‌کاری نکرده باشم، همین یک کار بیس است. کار دیگری که همیشه پایش می‌ایستم، مستند اورژانس هوایی است. در یکی از سکانس‌هایش، چهل دقیقه سی‌پی‌آر بی‌وقفه بود. تا بیمار زنده به مرکز درمانی تحویل داده شود.»



▲ زندان پایگاه نظامی آمریکا در منطقه بگرام افغانستان، سال ۱۴۰۲



▲ پشت صحنه پروژه مستند در مورد نگهداری و نظافت گنبد حرم



▲ پشت صحنه نماهنگ عاشق السلطان در حرم رضوی، سال ۱۳۹۹

نستان گذشت،
ان، برای ساخت
ان به افغانستان
ن پایگاه نظامی
م، بگرام در اختیار
مانده بود. یکی از
یک سگ وحشی
سیاسی یکی از
جایی که آمریکا
دهورفته بود.
که تا سال‌ها با
ت، آمریکا برای
مان را از قطر بود
استاد دانشگاه
ات‌های نجات،
صاحب‌گرفتیم؛
ست و یک استاد
ی به افغانستان
هنوز به نمایش

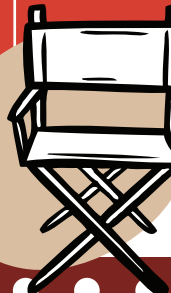
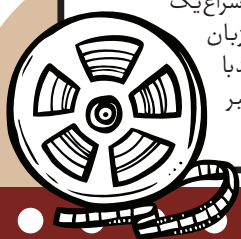
● قصه‌هایی که فراموش می‌شوند

این فیلم ساز می‌گوید: اگر روایت نکنیم، قصه‌ها از دست می‌روند. قصه‌ای که ثبت نشود، حذف می‌شود. در سال ۱۴۰۱، وقتی دشمن تا خیابان‌ها آمد، در جلسه‌ای با مسئولان امنیتی گفتیم ماکه سال هاست برای روایت فتنه، به کشورهای منطقه رفته ایم، چرا حالا که فتنه روبرو ماست، اجازه نداریم حتی موبایلمان را با لایا و ریم؟ گفتند فعلاً صلاح نیست.

او با بیان اینکه روایت باید در لحظه صورت گیرد، می‌افزاید: همان زمان رفتیم سراغ یک جوان هجده ساله که به اتهامات امنیتی بازداشت شده بود. قصه‌اش را از زبان بچه محلش که طلبه بود، روایت کردیم. آن قدر بی طرف بود که صداگذار مستند با وجود اختلاف نظرهای زیادی که با ما داشت، بعد از تماشای فیلم، نظرش تغییر کرد و همکاری را پذیرفت.

● حرفه‌مان فرعی تلقی می‌شود

درد دل‌هایی هم دارم از مشکلات کار خودش و کسانی که مانند او با تصویر روایتگری می‌کنند: «متأسفانه نگاهی در کشور درباره حرفه فیلم برداری جا افتاده است که این هنر را فرعی و غیر ضروری تلقی می‌کند. انگار بودنش خوب است و نبودنش مهم نیست. نتیجه این نگاه راهمین روزها داریم می‌بینیم. وقتی پیام‌های نظامی دشمن حتی از نظر فرم، نور و صدا با دقت ساخته می‌شوند، اما در پیام‌های رسمی کشور خودمان، ترکیب بندی و صدا برداری استاندارد رعایت نمی‌شود. این بی‌توجهی به فرم، مستقیم در پیام تأثیر منفی می‌گذارد. امثال من پس از سال‌ها کار تصویر برداری، برای چنین روزهایی تجربه جمع کردیم، اما کنار گذاشته می‌شویم. گاهی ما برای ضبط یک مستند رسمی، کلی مجوز و محدودیت داریم، ولی بعضی بلاگرها با کمترین هماهنگی‌هایی مجوز پرواز هوایی می‌گیرند.»





روضه‌های خانواده حاج حسن جدیت از ۳۰ سال پیش شروع شده و ۶ سال است که در فضای باز برگزار می‌شود

تکیه‌ای به وسعت یک کوچه



●● اول از همسایه‌ها اجازه می‌گیرم

طیبه خانم می‌گوید: وقتی پدر خدایا بزرگوار بود، بزرگم از ۱۰ شب، خرج دو شب رami دادا ما بعد از فوت پدر، همه مخارج را اقرار تا قبل کرد. ما خواهرها و برادرها هم ممکن است به اندازه توانمان کمک‌هایی داشته باشیم.

طیبه شروع می‌کند به توضیح دادن درباره مراسم: «شب اول سفره بهن می‌کنیم و آبگوشت می‌دهیم. باقی شب‌ها غذا را حاج رضادر خانه خودش درست و بسته بندی می‌کند

و اینجاست توزیع می‌کنیم.»

حاج رضا، پسر بزرگ خانواده پخت غذا را به لطف امام حسین (ع) می‌داند و می‌گوید: کنار آشپز کار نکردم. همین طوری دست به کار شدم و به لطف امام حسین (ع) غذاهایی که درست می‌کنم، خوب می‌شود.

طیبه ادامه می‌دهد: دهه اول محرم روضه‌های مادر است. بعدش ماد خترها هر کدام در خانه‌های خودمان در روزهای مختلف محرم و صفر روضه داریم. به چهل و هشتم که می‌رسد، باز در خانه مادر روضه داریم.

زهرخانم با تأکید می‌گوید: اول محرم می‌روم در خانه تک‌تک همسایه‌های این خیابان و از آن‌ها برای اینکه روضه را در فضای عمومی می‌گیریم، اجازه می‌گیرم. خیلی از این‌ها مستأجر هستند و هر سال عوض می‌شوند. نمی‌خواهم حق الناسی به گردنمان باشد. ولی به لطف امام حسین (ع) هر سال همه‌شان اعلام رضایت می‌کنند.

طیبه می‌گوید: همسایه‌های خوبی داریم. یکی لامپ آورده است جلوی خانه‌اش نصب کرده تا آنجا هم روشن باشد. همسایه دیگری برای شست و شوی خیابان شلنگ داد. یکی از آن‌ها کلید داده است تا وسایل را در حیاطش بگذاریم. هر کدام فرش و صندلی اضافه دارند، می‌آورند. خلاصه هر کدام به نوعی از برگزاری این روضه‌ها استقبال می‌کنند.

●● همسایه داری در محرم

حوریه عسگری که از همسایه‌های قدیمی است، از سیاه پوش شدن خیابان و پیچیدن صدای نوحه در آن خوشحال است و می‌گوید: حتی اگر کسی نتواند در مراسم حضور داشته باشد، از معنویت به وجود آمده در این کوچه فیض می‌برد. به نظر او برپایی این مراسم موجب دید و بازدید و احوالپرسی همسایه‌ها با یکدیگر و مشارکت آن‌ها در تمیز کردن خیابان شده است. این همسایه موقع مراسم، در خانه‌اش را باز می‌گذارد تا اگر کسی خواست، بتواند از سرویس بهداشتی داخل حیاط استفاده کند.

محمدفاضل رضایی نیز که چهارده سال است در همسایگی خانواده جدیت سکونت دارد، برق مورد استفاده برای میکروفون را تأمین می‌کند. او برگزاری این روضه‌ها در خیابان‌ها را مایه افتخار می‌داند و می‌گوید: کاشکی یک ماه باشد. عشق و ارادت به امام حسین (ع) باعث شده است که این همسایه‌ها در طول دهه اول محرم که می‌دانند هر شب مراسم برپاست، توجه بیشتری به نظافت کوچه داشته باشند. آن‌ها در این ایام در محل برگزاری مراسم، زیاده نمی‌گذارند و اگر بئایی یا هر کار دیگری داشته باشند تا قبل از برپایی مراسم آن را تمام می‌کنند و کوچه را تمیز نگه می‌دارند.

●● استقبال همسایه‌ها از برگزاری روضه در خیابان

طیبه، دختر آخر خانواده می‌گوید: از وقتی مراسم را در خیابان برگزار کردیم، خیلی بیشتر از قبل مورد استقبال قرار گرفت. علاوه بر عزاداران ثابت همیشگی، رهگذران خیابان، کسبه، بچه‌ها، نوجوانان و جوانان محل هم اضافه شدند. به ویژه قشر نوجوان و جوان آن قدر به ما ملحق شدند که به سخنرانان و مداحان می‌گوییم متناسب با نیاز و سلیقه آن‌ها مراسم را برگزار کنند.

به گفته او ابتدای مراسم میکروفون را در اختیار کودکان و نوجوانان می‌گذارند تا آن‌ها مداحی کنند یا قرآن بخوانند. زهرخانم ادامه می‌دهد: بچه‌ها آزادند. ابد کسی به آن‌ها چیزی نمی‌گوید که ناراحت شوند. مجلس حسین (ع) است و باید طوری رفتار کنیم که بچه‌ها به این مراسم علاقه مند شوند. بعد هم شروع می‌کنند به ابراز ارادت به امام حسین (ع): «هر چه داریم از لطف امام حسین (ع) است. این مراسم هم توفیقی است که خدا به ما داده. هر چه در راه امام حسین (ع) دهیم کم است.»

او دست‌ها و سر و گردن بدون التگو و تلاطیش را نشان می‌دهد و می‌گوید: اهل تلا نیستیم. دلم می‌خواهد هر چه دارم در راه امام حسین (ع) خرج کنم. خدا را شکر، بچه‌هایم هم حسینی هستند. من حالا دیگر خیلی توان ندارم. همه کارها را این‌ها انجام می‌دهند. خدا خیرشان دهد که تمیزکاری و جمع و جور باد خترهاست. نوه‌ها هم پذیرایی می‌کنند.

زهرخانم یاد همسرش می‌کند و می‌گوید: خدایا مراز خیلی دوست داشت که بعد فوتش این مراسم ادامه داشته باشد. پسر بزرگم آن را بر عهده گرفت. اجرش با امام حسین (ع). الان هم به بچه‌هایم می‌گویم وقتی من مُردم، این مراسم را ادامه دهید.

●● حفظ کردن هیئت آل یاسین

وارد خیابان ناد علی زاده ۸ که می‌شویم، پیدا کردن خانه خانواده جدیت کار سختی نیست. پرچم‌ها به خوبی نشان می‌دهد که باید کدام سمت برویم. زنگ خانه سه طبقه‌شان را می‌زنیم و از همان بدو ورود، شور و حال میزبانی اهالی خانه موج می‌زند. پسر بچه‌ها در حال نصب پرچم‌ها هستند. از حیاط خانه صدای جابه‌جا کردن قابلمه‌های بزرگ می‌آید. طیبه و خواهرش، فاطمه دارند سبزی‌ها را شست و شو می‌دهند. معصومه در حال جابه‌جایی و مرتب کردن ظرف‌های آشپزخانه است. طاهره دارد خانه را جارو می‌زند و....

از مرحوم حاج حسن جدیت هفت دختر و پنج پسر به یادگار مانده است که در این ایام، همه به نوعی در برگزاری مراسم عزای سیدالشهدا (ع) مشارکت دارند و هر کدام یک گوشه کار را در دست می‌گیرند.

زهرارضی، مادر خانواده، تعریف می‌کند: خدایا مراز حاج آقا از قدیم ارادت خاصی به ائمه (ع) و به ویژه امام حسین (ع) داشت. پسرانش هم مثل خودش اهل روضه و هیئت بودند. حدود سال ۷۰ وقتی دید هیئت جوانان آل یاسین که پسر من در آن عضو بود، جایی برای برگزاری مراسم دهه اول محرم ندارند، گفت مراسم را خانه ما بیاورند.

هیئت آل یاسین از سال ۹۶ دیگر مراسمش را اینجا برگزار نکرد ولی مرحوم حاج حسن جدیت، همچنان چراغ عزاداری دهه اول محرم را در خانه‌اش روشن نگه داشت و حتی در این راستا هیئتی به نام آل یاسین پیر غلامان به ثبت رساندند. در این سال‌ها خانه سه طبقه او در محله استاد یوسفی در دهه اول محرم، میزبان عزاداران حسینی است. در زمان شیوع کرونا که مرحوم جدیت نمی‌خواست روضه‌ها متوقف شود، تصمیم می‌گیرد در خیابان روضه‌ها را برگزار کند و این امر با اعلام رضایت همسایه‌ها محقق می‌شود.



دانشجویان دانشگاه شهید منتظری، موکبی با محور مقاومت و ماه محرم برپا کرده‌اند

درهم شکستن گنبد پشمکی

داستان درست کردن پشمک به گنبد آهین رژییم صهیونیستی برمی گردد که بابت آن خیلی به جهانیان فخر می فروختند. اما موشک های ایرانی این گنبد آهین را به گنبد پشمکی تبدیل کرد!

یونس حافظ، از دیگر فعالان این موکب، توضیح می دهد: در دانشگاه یک دستگاه پشمک زنی داشتیم. این ایده رایکی از بچه ها مطرح کرد و همه با او موافق بودیم. از ابتدای راه اندازی موکب از بچه ها با پشمک گنبدی پذیرایی می کردیم اما با فرارسیدن ماه محرم، فعلا برنامه پذیرایی پشمک نداریم.

یونس ادامه می دهد: از ابتدای محرم، موکب ما که با محور مقاومت برپا شد، حال و هوای عاشورایی گرفته است و هر روز برنامه مداحی و عزاداری ابا عبا...^(ع) را داریم.

● هر خود رو، یک فعال فرهنگی

یکی دیگر از برنامه های موکب، شابلون نویسی برای خود رو هاست. سهیل اسکندری، از دیگر دانشجویان دانشگاه شهید منتظری و فعال موکب مقاومت، در این باره می گوید: موکب مادر مکان پر رفت و آمدی است و شابلون نویسی خود رو ها برایمان خیلی اهمیت دارد. عباراتی مانند «جانم فدای ایران»، «ایران همدل»، «یا صاحب الزمان (عج)» و «یا ابا عبا...^(ع)» از جمله عباراتی است که پشت خود رو ها شابلون نویسی می شود. باین کار، هر خود رویی برای خودش یک فعال فرهنگی است.

موکب مقاومت که با همت عده ای از دانشجویان دانشگاه شهید منتظری برپا شده است، تا پایان دهه اول محرم به کارش ادامه می دهد.

کشورمان ورژیم صهیونیستی را ندای می کند. دو نقاشی دیواری بزرگ در دوسمت موکب، نشان از روزهای ایستادگی مردم ایران را دارد. در سمت راست موکب تصاویری از شهدای مقاومت ایران خود نمایی می کند، تصاویری از کودکان، زنان و مردان بی گناهی که در حملات وحشیانه رژییم صهیونیستی به شهادت رسیدند، با این مضمون و طعنه که «اسرائیل با مردم عادی کاری ندارد!». در سمت چپ موکب هم تصویری از اتحاد مردم ایران در روزهای جنگ دیده می شود و البته دلهره مردم در سرزمین های اشغالی.

رسول زاهدی، یکی از فعالان این موکب، به مامی گوید: از اوایل هفته پیش بود که این موکب با غرفه های متنوع راه افتاد. یک گعده فرهنگی و سیاسی داریم که در آن از راویان جنگ دعوت می کنیم و آن ها درباره شرایط مبارزات پیش از انقلاب، جنگ تحمیلی با عراق و مقایسه این دو با شرایط روز کشور و جنگ تحمیلی دوازده روزه بارژیم صهیونیستی صحبت می کنند. اهالی هم در این گفت وگوها حضور دارند و بحث های داغی در این باره شکل می گیرد که در آخر به روشنگری شهروندان و درک بهتر آن ها از شرایط روز جامعه ما ختم می شود.

● گنبدشان، پشمک آهین بود

بخش خوشمزه این موکب، ساخت پشمک به شکل گنبد برای بچه ها است.

رضا ریاحی اوایل هفته پیش بود که موکب مقاومت، فعالیتش را نبش چهارراه شهید کاوه شروع کرد. تعدادی از دانشجویان دانشگاه شهید منتظری با هدف روشنگری حمله رژییم صهیونیستی به کشورمان پای کار آمدند و با فعالیت های فرهنگی و ایجاد فضای گفت وگویی بین مردم و کارشناسان امور سیاسی، اوضاع و احوال جاری کشور را بررسی کردند.

این موکب با فرارسیدن ماه محرم، برنامه های مذهبی را هم در پیش گرفته است و علاوه بر توزیع شربت و پذیرایی از مهمانان ابا عبا...^(ع)، مراسم مداحی و عزاداری را هم برگزار می کند.

● مثلاً اسرائیل با مردم عادی کاری ندارد!

حال و هوای موکب «مقاومت»، همچنان روزهای جنگ دوازده روزه



جوانان ورزشکار محله حجاب، ۱۵ سال است که خیمه الحسین (ع) را برپا می کنند

موکب فوتبالیست ها

پانزده سال از شروع فعالیت این خیمه می گذرد و هر سال به لطف امام حسین (ع) دوماه محرم و صفر را از عزاداران ابا عبا...^(ع) پذیرایی می کنیم.

● خیمه ای با همدلی خیران

امیر کدخدایی یکی دیگر از اعضای هیئت است. خودش حالا پدر شده است و آرایشگری می کند. او می گوید: همان سال های اول با کمک خیران، تجهیزات هیئت را خریداری کردیم؛ مثلاً پدر یکی از بچه ها داربست می فروخت و لوله های داربست خیمه را تأمین کرد، یکی سماور بزرگ و دیگری سیستم صوت را هدیه کرد. امیر به رضا نگاه می کند و ادامه می دهد: تا سه چهار سال پیش، همه اسباب و وسایل هیئت در انباری خانه رضا بود اما حالا تصمیم گرفته ایم که همه بچه ها را درگیر کنیم؛ به عنوان مثال محمدماهان پارچه ها را به خانه می برد و روح... سماورا. همه شان هم موظف هستند محرم سال بعد، اسباب خیمه را درست و سالم تحویل دهند.

● قند هر سال هیئت با من

محمدماهان کپال جلو می آید و خودش سر صحبت را باز می کند. او همان طور که جای به مهمانان تعارف می کند، توضیح می دهد:

رضا ریاحی اهنر می خواهد که بچه ها را هم ورزشکار بار بیاوری و هم هیئت. این کاری است که سال ها پیش رضا ربانی انجام داد. او مدرسه فوتبالی را در چهارده سال گذشته تأسیس کرد و از همان سال هم تکیه ای را در ماه محرم و صفر در تقاطع بولوار ادیب و حجاب راه انداخت. از آن موقع، برخی از نوجوانان فوتبالیست قاسم آباد، ماه محرم که می رسد، صبح را به ورزش می پردازند و عصرها از عزاداران ابا عبا...^(ع) پذیرایی می کنند. مثل همین الان که تیمشان درگیر مسابقات لیگ دسته اول فوتبال مشهد است و بچه ها در دو جبهه فعالیت دارند.

● هیئت ۱۵ ساله

هیئت خیمه الحسین (ع) سال هاست برای خودش در محله حجاب اسمی دست و پا کرده است. در بین خدمتگزاران هیئت، بچه هایی هستند که بین دوازده تا شانزده سال سن دارند و از تیم فوتبال محله شان به این هیئت راه پیدا کرده اند.

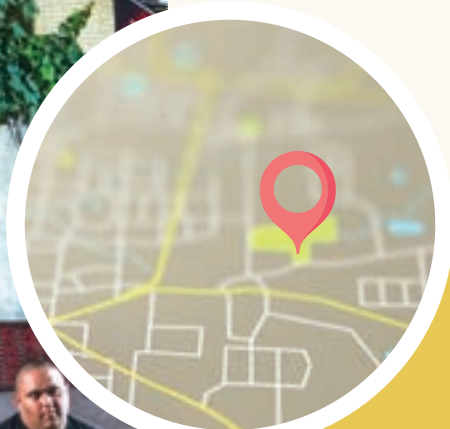
رضاربانی که قدیمی این هیئت و مربی تیم فوتبال است، به ما می گوید: ما بسیجی های قدیم مسجد امام حسین (ع) بودیم که با هم یک تیم فوتبال تشکیل دادیم. معتقد بودیم در کنار ورزش و سلامتی جسم، باید روح و جانمان را هم تلطیف کنیم؛ همین شد که در کنار تیم فوتبال یک خیمه برپا کردیم و این راه را ادامه دادیم.



این خیمه را خود امام حسین (ع) می گرداند. هر سال که داربست می بندیم، اهالی یکی یکی می آیند و هر کدام بخشی از مخارج را تقبل می کنند.

محمدماهان خاطره ای تعریف می کند از یک آقای دکتر که یک بار با خانواده اش آمد و در خیمه چای خورد؛ ایشان به قدری از حال و هوای هیئت مالذت برد که همان جا به همسرش گفت: قند هیئت، هر سال با من.

روح... رام و علی بهرامی و سجاد کفاش از دیگر بچه های موکب خیمه الحسین (ع) هستند. روح... که پانزده سال دارد و فوتبالیست باشگاه هم هست، روبه مامی کند و ادامه می دهد: هر سال هم زمان باشهادت حضرت رقیه (ص)، شله داریم. چند سالی است که خیری، گوسفند نذری دیگ شله ما را بر عهده گرفته است. او هم مانند آقای دکتر یک بار به اینجا آمد و بخشی از هزینه نذر هیئت را قبول کرد. بچه های هیئت خیمه الحسین (ع) از اهالی محله حجاب می خواهند در این شصت روز مهمان آن ها باشند و در کنار هم برای امام حسین (ع) عزاداری کنند.



۹

شب‌های محرم در کوچه ما

شهری این قاب‌های دل‌نشین مربوط به خیابان شریعتی ۲۹، کوچه شهید نادعلیزاده ۸ است. کوچه‌ای که در دیوارش از شش سال پیش در دهه اول محرم سیاه پوش می‌شود و همسایه‌ها در کنار هم برای ابا عبد...^(ع) و یاران با وفایش عزاداری می‌کنند. بانی اصلی این روضه، خانواده جدید است. آن‌ها از ۳۵ سال پیش، میزبان عزاداران امام حسین^(ع) هستند و بعد از شیوع بیماری کرونا تصمیم گرفتند این مراسم را در کوچه شان برگزار کنند. شرح این گزارش را می‌توانید در صفحه ۶ مطالعه کنید.

